خبر

رئیس جمهور:

خداوند، طبس دیگری را در جنوب اصفهان رقم زد

رئیس‌جمهور در حساب کاربری خود در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: ۱۵اردیبهشت سالروز شکست تاریخی آمریکا در طبس است که تفوق الهی بر هر اراده دیگری مشخص شد.

دکتر مسعود پزشکیان افزود: امسال نیز مدد خداوند، طبس دیگری را در جنوب اصفهان رقم زد و نشان داد خدای شن‌های طبس، خدای نگهدارنده مردمان این سرزمین است. امیدوارم چنین شکست‌های تاریخی، درس عبرتی برای مستکبران عالم باشد.

رئیس مجلس شورای اسلامی:

خط مقدم ضربه به آمریکا جنگ مالی است

محمدباقر قالیباف در پیامی تاکید کرد که خط مقدم ضربه به آمریکا، جنگ مالی است.

رئیس مجلس شورای اسلامی در واکنش به اخباری درخصوص محدودیت فروش اوراق قرضه توسط امارات و کشورهای عربی، در حساب کاربری خود در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: خط های سوآپ ارزی به‌گفته وزیر خزانه‌داری آمریکا برای جلوگیری از فروش خلاف قاعده دارایی‌های آمریکا توسط کشورهای عربی فعال شده است. این خبر یعنی بعضی سهامداران اوراق قرضه نمی‌توانند آزادانه سهام خود را بفروشند و توسط آمریکا برای فروش دارایی‌های خود محدود شده‌اند.

دکتر قالیباف در پیام خود به حساسیت‌های نظام مالی آمریکا به فروش اوراق قرضه اشاره کرد و ادامه داد: درواقع یک سقف فروش نانوشته وجود دارد که سرمایه‌گذاران دولتی و نهادی ملزم به رعایت آن هستند. اگر اوضاع بحرانی‌تر شود، در فروش این سهام کاملا بسته خواهد شد.

رئیس مجلس شورای اسلامی با هشدار به دارندگان این اوراق ادامه داد: تا فرصت دارید اوراق قرضه را بفروشید. خط مقدم آنها درواقع منحنی بازده سود اوراق قرضه است.

رئیس قوه قضاییه:

اختلاف میان ملت و مسئولان لاف ترامپ متوهم است

رئیس قوه قضاییه در نشست با جمعی از رؤسای کل دادگستری استان‌ها، با قدردانی از مجاهدت‌های نیروهای مسلح ایران اسلامی در نبرد با متجاوزین اظهار کرد: دشمن در جنگ رمضان، به معنای واقعی کلمه به استیصال رسید و دستان خود را به نشانه تسلیم بالا آورد. قطعا اگر درصدی از آنچه در مخیله دشمن بود در این نبرد حاصل می‌شد، این دشمن غدار کوتاه نمی‌آمد و درخواست آتش‌بس و مذاکره را نمی‌داد.

حجت‌الاسلام والمسلمین محسنی اژه‌ای با اشاره به اهمیت هوشیاری مضاعف در برابر دشمن زبون بیان داشت: دشمن زخم خورده است و به توطئه‌ها و اهداف شومش علیه ایران اسلامی نرسیده. لذا هر لحظه احتمال توطئه و اقدام دیگری از ناحیه دشمن وجود دارد. احتمال دارد دشمن زخم خورده مجددا علیه ملت و کشور ما دست به اقدام بزند. بنابراین بر همه ما آحاد ملت ایران و مسئولان و نظامیان فرض و واجب است که لحظه‌ای دچار غفلت نشویم. مردم غیور و گرانقدر همچنان باید در صحنه حضور داشته باشند. به هیچ‌وجه نباید حضور مردم در صحنه کمرنگ شود.

وی اضافه کرد: رهبر معظم انقلاب فرمودند در غیاب امام شهید، این شما مردم بودید که کشور را رهبری و اقتدار آن را ضمانت کردید. سوخت موشک میدان نیز به تعبیر امام شهید از اراده یکپارچه مردم تأمین می‌شود. باید این اتحاد مقدس را قدر بدانیم و از آن مراقبت کنیم.

رئیس عدلیه هشدار داد: دشمن امیدوار است آنچه را در میدان و دیپلماسی به‌دست نیاورده با دوقطبی‌سازی در خیابان به چنگ آورد. صاحبان قلم و تریبون و کنشگران فضای مجازی و رسانه‌ها در این زمینه باید هوشیار باشند.

قاضی‌القضات افزود: رئیس‌جمهور متوهم آمریکا گمان کرده با لاف اختلاف میان ملت و مسئولان ایران می‌تواند موازنه قدرت را به نفع آمریکای شکست‌خورده تغییر دهد.

تحولات جنگ تحمیلی سوم نشان می‌دهد در صورت پایان یافتن سکوت میدان، ایران گزینه‌های زیادی برای تحمیل درد به دشمن دارد

کارت‌های دست‌نخورده ایران

آتش‌بس میان ایران و آمریکا بیش از آن‌که یک توافق پایدار باشد، به وضعیتی شکننده و پرتنش شباهت دارد؛ وضعیتی که در آن نه نشانه‌ای از اعتماد متقابل دیده می‌شود و نه اراده‌ای از سوی آمریکا برای عبور از بحران. در حالی که واشنگتن تلاش می‌کند با ترکیبی از فشار روانی، محاصره دریایی و جنگ روایت‌ها تهران را به عقب‌نشینی وادار کند، شواهد میدانی و سیاسی حکایت از آن دارد که ایران نه‌تنها از مواضع خود عقب ننشسته بلکه در حال تثبیت دستاوردهای خود به‌عنوان طرف برنده در جنگ تحمیلی سوم است.

هشدار صریح قرارگاه خاتم: پاسخ ایران آماده است

در میانه این فضای پرتنش، اطلاعیه اخیر قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیا به‌عنوان عالی‌ترین نهاد فرماندهی عملیاتی، حامل پیامی روشن و بدون ابهام به واشنگتن است. در این بیانیه تاکید شده است: چنانچه ارتش متجاوز آمریکا به محاصره، راهزنی و دزدی دریایی در منطقه ادامه دهد، مطمئن باشند که با عکس‌العمل نیروهای مسلح مقتدر ایران مواجه خواهند شد.

این بیانیه با یادآوری تجربه آمریکا از جنگ تحمیلی سوم تصریح می‌کند که نیروهای مسلح ایران نه‌تنها از اقتدار خود نکاسته‌اند بلکه با آمادگی بیشتر، آماده وارد کردن خسارات شدیدتر در صورت هرگونه تجاوز هستند. تاکید بر «مدیریت و کنترل تنگه راهبردی هرمز» نشان می‌دهد که ایران این گذرگاه حیاتی را نه صرفا یک مسیر انرژی بلکه یک ابزار راهبردی برای اعمال قدرت می‌داند.

هرمز؛ جایی که معادله قدرت تغییر کرد

کنترل قاطع ایران بر تنگه هرمز و جلوگیری از عبور شناورهای متخلف عملا به معنای قرار دادن فشار مستقیم بر شریان حیاتی اقتصاد جهانی است. این وضعیت را می‌توان به «چکمه ایران بر گلوی آمریکا» تعبیر کرد؛ جایی که هرگونه اختلال، بلافاصله آثار خود را در بازارهای انرژی و اقتصاد جهانی نشان می‌دهد.

با وجود ژست‌های رسانه‌ای واشنگتن مبنی بر بی‌اهمیت جلوه دادن این وضعیت، رفتار عملی آمریکا چیز دیگری را نشان می‌دهد. از تشدید محاصره دریایی گرفته تا تهدیدات مکرر نظامی و حتی فضاسازی برای کشاندن ایران به میز مذاکره با شروط یکجانبه، همگی نشان‌دهنده تلاش مستمر برای رهایی از فشار هرمز است.



جنگ روایت‌ها؛ از شایعه مذاکره تا عملیات روانی

یکی از محورهای اصلی تحرکات آمریکا در این مقطع، جنگ روایت‌هاست. ادعاهایی درباره درخواست ایران برای مذاکره، اعزام قریب‌الوقوع تیم‌های آمریکایی به اسلام‌آباد و روایت‌سازی از عجله تهران برای گفت‌وگو، بخشی از این عملیات روانی است. در مقابل، سفر وزیر امور خارجه ایران به اسلام‌آباد نه برای مذاکره با آمریکا بلکه برای تبیین مواضع تهران برای طرف‌های منطقه‌ای انجام شد. واقعیت این است که هیچ برنامه‌ای برای مذاکره با واشنگتن وجود ندارد؛ به‌ویژه در شرایطی که آمریکا تلاش دارد موضوعات حساسی مانند برنامه هسته‌ای و توان موشکی را وارد دستور کار کند.

زمان علیه واشنگتن: چرا ترامپ عجله دارد؟

برخلاف ادعای دونالد ترامپ مبنی بر عجله نداشتن، مجموعه‌ای از عوامل داخلی و خارجی نشان می‌دهد که زمان به‌شدت علیه آمریکا در حال حرکت است.

نزدیک شدن به پایان مهلت قانونی ۶۰روزه برای اقدام نظامی بدون مجوز کنگره، افزایش قیمت انرژی در داخل آمریکا، فشارهای اقتصادی جهانی، نزدیک شدن به انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره و حتی رویدادهایی مانند جام جهانی فوتبال، همگی به متغیرهایی تبدیل شده‌اند که کاخ سفید را تحت فشار قرار می‌دهند.

در کنار این موارد، افزایش اختلافات داخلی در دولت ترامپ، نارضایتی نظامیان از مدیریت جنگ و باز شدن مجدد پرونده‌های جنجالی مانند ماجرای اپستین، شرایط را برای ادامه بحران پیچیده‌تر کرده است.

بازی هنوز تمام نشده است

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های این مقطع آن است که ایران هنوز از تمامی ظرفیت‌های خود استفاده نکرده. برخلاف تصور برخی تحلیلگران غربی، آنچه تاکنون رخ داده تنها بخشی از توان ایران در حوزه‌های مختلف بوده است.

یکی از مهم‌ترین اهرم‌ها در حوزه سیاسی موضوع خروج از NPT است. ایران تاکنون با خویشتنداری به تعهدات خود پایبند بوده اما همزمان این پیام را نیز منتقل کرده که ادامه این مسیر، نیازمند دریافت امتیازات متقابل است. در غیر این صورت، بازنگری در این عضویت می‌تواند به‌عنوان یک گزینه جدی مطرح شود.

در کنار ابزارهای سنتی، برخی ناظران بین‌المللی به گزینه‌های کمتر دیده شده نیز اشاره می‌کنند؛ از جمله احتمال اختلال در کابل‌های فیبر نوری کف خلیج فارس.

این کابل‌ها، ستون فقرات اقتصاد دیجیتال منطقه را تشکیل می‌دهند؛ اقتصادی که ارزش آن به بیش از ۱/۸ تریلیون دلار در سال می‌رسد. براساس برآوردها قطع یک کابل می‌تواند به کاهش سرعت اینترنت در سطح منطقه منجر شود، قطع سه کابل اختلالات جدی در ارتباطات ایجاد می‌کند، قطع پنج کابل سیستم‌های بانکی، رایانش ابری و تجارت الکترونیک را مختل می‌سازد و قطع هفت کابل می‌تواند جایگاه خلیج فارس به‌عنوان هاب دیجیتال را به‌طور کامل از بین ببرد.

با توجه به زمان طولانی تعمیر این زیرساخت‌ها که ممکن است هفته‌ها به طول بینجامد این گزینه می‌تواند به یک ابزار فشار جدی تبدیل شود؛ به‌ویژه در شرایطی که دسترسی به منطقه برای کشتی‌های تعمیرکار نیز محدود باشد.

علاوه بر اینها بسیاری از کارشناسان بر این باورند که ایران توانایی مسدود کردن تنگه باب‌المندب را نیز دارد و در صورت استمرار جنگ می‌تواند اقتصاد جهانی را بیش از پیش تحت فشار قرار دهد.

محاصره دریایی؛ فشاری که کارایی خود را از دست داده است

در حالی که آمریکا در تلاش است با تشدید محاصره دریایی ایران را تحت فشار قرار دهد، تجربه سال‌های گذشته نشان داده که این ابزار کارایی محدودی دارد. ایران با برخورداری از مرزهای گسترده زمینی و دریایی همچنین شبکه‌های جایگزین تجاری، توانسته اثر این فشارها را به حداقل برساند.

از سوی دیگر این بار شرایط متفاوت است. ایران خود نیز ابزارهایی برای اعمال فشار متقابل در اختیار دارد. این تغییر، معادله را به‌طور کامل دگرگون کرده است.

خطوط قرمز پابرجاست: نه مذاکره، نه عقب‌نشینی

در نهایت آنچه بیش از همه در این شرایط برجسته است، ثبات مواضع ایران است. موضوعاتی مانند غنی‌سازی، سطح اورانیوم، توان موشکی و کنترل تنگه هرمز همچنان خارج از دایره مذاکره قرار دارند. ایران به‌عنوان طرفی که خود را پیروز میدان می‌داند، نه‌تنها دلیلی برای عقب‌نشینی نمی‌بیند بلکه بر مطالبه حقوق خود شامل غرامت‌ها و خسارت‌ها نیز تاکید دارد. این رویکرد نشان می‌دهد که تهران در حال حرکت به‌سوی تثبیت یک موقعیت جدید در معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی است.

آتش‌بسی روی لبه بحران

آتش‌بس فعلی بیش از آن‌که پایان یک بحران باشد، توقفی موقت در مسیر یک تقابل پیچیده است. در یک سو آمریکایی قرار دارد که با محدودیت‌های فزاینده مواجه است و در سوی دیگر، ایرانی که با اعتماد به‌نفس بیشتر ابزارهای متنوع‌تری در اختیار دارد.

در چنین شرایطی آینده این آتش‌بس نه به بیانیه‌ها بلکه به رفتارها و تصمیمات طرفین بستگی دارد اما یک نکته روشن است: بازی هنوز تمام نشده و ایران هنوز همه کارت‌های خود را رو نکرده است.

یادداشت

علیرضا سربخش | نویسنده و پژوهشگر

وحدت ملی؛ سد مستحکم در برابر توطئه‌های دشمن

علاوه‌بر اعتقاد به توحید و تبعیت از ولایت، دشمنان اسلام به این درک رسیده‌اند که بزرگ‌ترین نقطه قوت کشور ما، انسجام و وحدت مردم است و صفوف به‌هم‌پیوسته و متحد مردمی را که در خیابان‌ها پشتیبان میدان هستند، بزرگ‌ترین مانع خود در برابر تحقق نقشه‌های شیطانی‌شان می‌بینند. بنابراین طبیعی است که بخواهند رخنه‌ای در این صفوف ایجاد کرده یا راه نفوذی بر ایجاد شکاف و مدیریت آن به نفع خود پیدا کنند.

همچنین به موازات این ترفند، تلاش می‌کنند با ایجاد شکاف میان مردم و مسئولان، انسجام ملی را تضعیف کنند. البته اگر در صفوف متحد مردم و مسئولان اختلاف قابل‌توجهی بود، دشمن قطعا از آن استفاده می‌کرد اما اتحاد بی‌سابقه ملت و مسئولان و گروه‌های سیاسی در مواجهه با دشمن خبیث، باعث حیرت و استیصال دشمن شده و مدتی است به‌خصوص در طول آتش‌بس سعی می‌کند به انواع داستان‌پردازی‌ها متشبث شود و برخی ذهن‌ها را آلوده کند. اما این ملت بصیر و مبعوث‌شده و همین‌طور دولت و سایر نهادهای حکومتی در جریان این جنگ مانند جنگ ۱۲ روزه حد نهایت فهم و درک سیاسی را از خود نشان داده‌اند و با وجود اختلاف سلیقه‌ای که پیش از جنگ بود پس از حمله دشمن خارجی، همه اختلافات را کنار گذاشتند و به شکلی معجزه‌وار به عنوان ید واحده عمل کردند. این هم دستور دینی است و هم حکم عقلانی؛ و این حد از بصیرت دینی و نگاه بلند عقلانی ملت و مسئولان باعث حیرت دشمنان و تحسین دوستان و مردم جهان شده است. تقلا برای ایجاد شکاف در ایران توسط دشمن در حالی صورت می‌گیرد که اختلاف در میان خود آنان روز به روز روشن‌تر و عمیق‌تر می‌شود. به‌عنوان مثال، برکناری و استعفای سه وزیر و ۱۲ ژنرال ارتش در کمتر از یک ماه از آغاز جنگ، به‌خوبی نشان می‌دهد جبهه دشمن به‌شدت متشتت و متفرق شده است. بخشی از ادعای وجود اختلاف در ایران، دست و پازدن برای انحراف افکار عمومی از وجود این اختلافات داخلی در آمریکا و متحدان اروپایی‌اش است. در همین حال، اقدامات ترامپ و متحدانش نشان می‌دهد که شرایط آنها بسیار بحرانی است و اکنون با توجه به عدم دستیابی به اهداف جنگ و تحت فشار شدید سیاسی و اقتصادی در التماس آتش‌بس هستند. می‌بینیم که وزیر خارجه ما به اسلام‌آباد رفته و باوجود این‌که اعلام شده قرار به دیدار با طرف آمریکایی ندارد اما ترامپ به‌سرعت نمایندگان خود را به اسلام‌آباد فرستاده که بیانگر عجله و شتاب آنها برای رسیدن به نتیجه است. این شرایط وخیم آمریکا چیزی نیست که از دید مردم دنیا و خبرگزاری‌ها دور مانده باشد. در طرف مقابل مردم آگاه و مسئولان پرتلاش ایران، در پرتو تبعیت از ولایت، اتحادی دشمن‌شکن را به معرض نمایش گذاشته‌اند که نوید پیروزی قریب‌الوقوع در دنیا و رستگاری در آخرت را برای این ملت می‌دهد.

یادداشت

روح‌الله احمدزاده کرمانی | استاد دانشگاه

جنگ رمضان: وحدت جمهور

۱ در اوایل قرن هجدهم نقشه‌ای در وزارت مستعمرات بریتانیا وجود داشت که مستعمرات ۱۳گانه را با رنگ قرمز پررنگ کرده بودند؛ حتی جاهایی که کاملا تصرف نشده بودند. در حقیقت نقشه بریتانیا نقشه‌ای نبود که بگوید دنیا چگونه هست بلکه نقشه‌ای بود که می‌گفت دنیا چگونه باید باشد. بنجامین فرانکلین از بنیانگذاران آمریکا و رؤسای جمهور آن چون جان آدامز (۱۸۲۶-۱۷۳۵)، همین نقشه بریتانیا را ملاک قرار می‌دادند. در یک معنا، این نقشه در تاریخ تمدن غربی مانند چراغی بود برای سرقت منابع ملل که «چودزدی با چراغ آید، گزیده‌تر برد کالا».

۲ می‌توان با مرور تاریخ سه قرن گذشته غرب، امروز با قاطعیت گفت مسأله بنیادی در سیاست خارجی غرب کنترل و تسلط بر جهان است و در سنت آنگلوساکسونی تسلط بر خشکی‌ها و هارتلند آن‌طور که هالفورد مکیندر می‌گوید و نیز تسلط بر دریاها و اقیانوس و آب‌های به‌ظاهر آزاد، آن‌طور که آلفرد ماهان آمریکایی می‌گوید، همان مگاپروژه غرب است و در این میان نقشه این ابزار تحقق رویاهای ژئوپلیتیک استعمارات و نقشه استعماری تصویر جهان نیست که تغییر جهان است اما ملاحظه مهم آن است که در این اوضاع طوفان‌زده دو قرن گذشته که ۹۵درصد جهان از جمله هند و تا حدودی چین در ماجرای جنگ‌های تریاک و واگذاری ۹۹ساله هنگ‌کنگ به بریتانیا مستعمره غرب شد، ایران جزو آن ۵درصدی است که هیچ‌گاه مستعمره غرب نشده.

۳ اما چرا ایران این‌قدر در طول تاریخ معاصر برای غرب مهم بوده است؟ اولا ایران جزو کشورهای با دسترسی به اقیانوس و آب‌های بین‌المللی است. ثانیا در میان حدود ۱۰تنگه مهم جهان مثل جبل‌الطارق، دوور، مالاکا، بسفر و... ایران بر یکی از مهم‌ترین آنها اشراف حداکثری دارد و بر حدود ۲۵درصد منابع انرژی مورد نیاز صنعت جهان تسلط صددرصد دارد. ثالثا خود ایران به جهت ذخایر عظیم نفت و گاز (سومین ذخایر بزرگ نفت و دومین ذخایر طبیعی گاز جهان) در جایگاه ممتازی قرار دارد. رابعا ایران به تعبیری در منطقه پل (بریج‌لند) قرار دارد و تسلط بر منطقه قلب جهان (هارتلند) را که شامل روسیه و چین هم می‌شود هموار می‌سازد.

۴ به نظر نگارنده، رئیس‌جمهور فعلی آمریکا به‌رغم رویای ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی سلطه بر ایران، دچار یک خطای محاسباتی راهبردی درخصوص ایران شده که محصول ارائه تحلیل‌های غلط لابی صهیونیسم در آمریکاست. در طول تاریخ حکمرانی در ایران، نظام‌های حکمرانی مردم‌پایه امکان تداوم بلندمدت داشته وگرنه با کوچک‌ترین تلنگر خارجی فرو می‌ریخته است. تداوم ۲۳۵ساله صفویه به‌رغم تهاجمات تاریخی در مقابل فروپاشی پهلوی اول با اشغال ایران توسط متفقین ظرف ۱۶سال و اخراج رضاخان از ایران از جمله شواهد این حقیقت است.

۵ مع‌الوصف نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران امروز تجلی مواجهه جمهور با استعمارات است. درواقع جنود ایرانیان در آوردگاه میدان، غیورانه از سرحدات ایران اسلامی در حال صیانتند و جمهور ایرانیان در آوردگاه خیابان، غیورانه از سرحدات تمدنی ایران ۵۰۰۰ساله‌اند. رئیس‌جمهور نادان امروز ایالات متحده تفکیک‌های مجعول نظام و ملت را باور کرد، در حالی که ظهور جمهور در نظام جمهوری اسلامی است و جمهوریت و ساختار اجتماعی و سیاسی درهم مندرجند و اگر غیر این بود باید در همان جنگ ۲۹۲۰روز تحمیلی در مقابل رژیم بعث عراق یا جنگ ۱۲روزه تحمیلی در تابستان گذشته یا همین جنگ رمضان، جمهوری اسلامی پایان می‌یافت اما تداوم نظام مقدس جمهوری اسلامی همان اراده اکثر جمهوریت و جنگ رمضان «وحدت جمهور» است.

یادداشت

داوود منظور | رئیس سابق سازمان برنامه و بودجه

چگونه پیام رهبر انقلاب جنگ را به صحنه غلبه تبدیل می‌کند؟

این یادداشت در پی آن است که یکی از مهم‌ترین ابعاد راهبردی پیام رهبر انقلاب را تحلیل کند؛ بعدی که در آن، وضعیت جنگی موجود نه به‌عنوان یک بحران فرساینده بلکه به‌عنوان صحنه‌ای از پیروزی و برآمدن تصویر می‌شود. هدف این تحلیل، تبیین این نکته است که چگونه پیام رهبر انقلاب، با بازسازی روایت از میدان نبرد، تلاش می‌کند ذهنیت عمومی را از «تحمل جنگ» به «احساس غلبه» منتقل کرده و از این طریق، امید، اعتماد و استمرارکنش را تقویت کند.

در پیام رهبر انقلاب، این تغییر روایت به‌صراحت و با قاطعیت بیان می‌شود: «به جرأت می‌توان گفت که شما ملت قهرمان ایران، پیروز قطعی این میدان بوده‌اید». این جمله، نقطه مرکزی این بخش از پیام است. در شرایطی که جنگ معمولا با هزینه‌ها، خسارت‌ها و ابهام‌ها همراه است، چنین عبارتی نقش تعیین‌کننده‌ای در جهت‌دهی به افکار عمومی دارد. اینجا، پیام رهبر انقلاب نه صرفا گزارشی از وضعیت بلکه نوعی «تعریف واقعیت» ارائه می‌دهد؛ تعریفی که در آن، نتیجه جنگ پیشاپیش به‌عنوان پیروزی تثبیت می‌شود.

در ادامه، این روایت تقویت می‌شود. آنجا که گفته می‌شود: «طلیعه برآمدن جمهوری اسلامی به‌عنوان یک قدرت بزرگ و قرار گرفتن استکبار در سراشیبی ضعف... آشکار شده است». این عبارت، افق روایت را از سطح میدان جنگ فراتر می‌برد و آن را به سطح نظم جهانی ارتقا می‌دهد. بدین ترتیب جنگ دیگر یک درگیری محدود تلقی نمی‌شود بلکه به‌عنوان بخشی از یک تحول بزرگ‌تر در توازن قدرت جهانی معرفی می‌گردد.

پیام رهبر انقلاب، برای تثبیت این روایت، به ریشه‌های این پیروزی نیز اشاره می‌کند: «این... نعمتی الهی است که از برکت خون رهبر شهیدمان و سایر شهدالله و حضور مجاهدانه ملت... ارزانی شده است». در اینجا، پیروزی به عوامل مختلفی نسبت داده می‌شود؛ از خون شهدا تا حضور مردم و مجاهدت نیروهای نظامی. این تنوع در نسبت‌دهی، یک کارکرد مهم دارد: مشارکت همه عناصر جامعه در این پیروزی را برجسته و احساس سهیم بودن را در میان مخاطبان تقویت می‌کند.

در همین چارچوب، پیام رهبر انقلاب، پیروزی را نه صرفا یک نتیجه نظامی بلکه یک نعمت الهی معرفی می‌کند. این تعبیر، بار معنایی خاصی دارد. وقتی پیروزی در این سطح تعریف می‌شود، حفظ آن نیز به یک وظیفه تبدیل خواهد شد. به همین دلیل است که بلافاصله تاکید می‌شود: «این نعمت... باید مورد شکر قرار گیرد تا بقا و رشد داشته باشد». در اینجا، پیروزی به‌عنوان یک وضعیت پایدار و تضمین‌شده معرفی نمی‌شود بلکه امری است که نیازمند مراقبت و استمرارکنش است.

از منظر تحلیل محتوا، این بخش از پیام رهبر انقلاب چند کارکرد کلیدی دارد. نخست تثبیت امید در شرایط جنگی است. در فضایی که جنگ می‌تواند موجب خستگی و فرسایش روانی شود، تاکید بر پیروزی، به حفظ روحیه عمومی کمک می‌کند. دوم بازتعریف هزینه‌هاست. وقتی جنگ به‌عنوان مسیر رسیدن به پیروزی تصویر شود، هزینه‌های آن نیز در چارچوبی معنادار قرار می‌گیرند. سوم جهت‌دهی به آینده است. با ترسیم افق «ایران قوی»، پیام رهبر انقلاب مسیر حرکت را مشخص کرده و از توقف در وضعیت موجود جلوگیری می‌کند.

نکته مهم دیگر، پیوند میان این روایت پیروزی و نقش مردم است. در پیام رهبر انقلاب، پیروزی بدون حضور مردم معنا ندارد. حضور در میدان‌ها، مشارکت در صحنه‌های مختلف و حتی دعا و توسل، همگی به‌عنوان عوامل این غلبه معرفی می‌شوند. این نگاه، درواقع نوعی «مردمی‌سازی پیروزی» است. یعنی پیروزی نه متعلق به یک نهاد خاص بلکه حاصل کنش جمعی معرفی می‌شود.

همچنین این روایت به شکل‌گیری یک خودآگاهی جدید در جامعه کمک می‌کند. وقتی یک ملت خود را «پیروز» تعریف کند، رفتارها، انتظارات و افق‌هایش نیز براساس همین تعریف شکل می‌گیرد. این امر می‌تواند به افزایش اعتمادبه‌نفس ملی و آمادگی برای مراحل بعدی منجر شود.

در نهایت، پیام رهبر انقلاب در این بخش، تلاش می‌کند جنگ را از یک وضعیت دفاعی صرف، به یک موقعیت برتری تبدیل کند. در این روایت، ایران نه‌تنها در حال مقاومت است بلکه در حال پیشروی و تثبیت جایگاه خود به‌عنوان یک قدرت است. این تغییر زاویه نگاه، یکی از مهم‌ترین ابزارهای حفظ پویایی در شرایط سخت است.

بر این اساس، می‌توان گفت پیام رهبر انقلاب، با ساختن یک روایت قاطع از پیروزی تلاش می‌کند میدان نبرد را از عرصه فشار و تهدید به صحنه غلبه و برآمدن تبدیل کند؛ صحنه‌ای که در آن، آینده نه مبهم بلکه روشن و دست‌یافتنی تصویر می‌شود.